

- ادامه مبحث وحی و انواع آن

- شرح سیاق آیات ۵۱ تا ۵۳ وحی بی واسطه ، وحی با واسطه ، وحی من وراء حجاب

"بسم الله الرحمن الرحيم و بهی نستعين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين و لعن الله على اعدائهم اجمعين"

ادامه مبحث وحی و انواع آن

ما بحث وحی رو جلسه پیش تا یک جایی رسوندیم بازخوانی انواع وحی بود، که بنده اومدم تقسیم بندی کردم. ما راجع به تفاوت وحی با الهام، وحی با رویا صحبت کردیم یه دونه مکاشفه موند البته من یه چیزهایی رو هم به مطالب هفته گذشته اضافه کنم بعد بریم سراغ مطالب جدید امروز. تا اونجایی ما مطلب رو پیش بردیم که گفتیم: وقتی از امام رضا علیه السلام سوال میکنند که شما در مدینه بودید و امام موسی کاظم در بغداد چگونه دانستید که پدرتون رحلت کرده؟ امام فرمودند: اذا مات الامام یلهمه الله وقتی که امام از دنیا میره خداوند بهش الهام میکنه. یعنی این آگاهی‌های اولیای خدا آگاهی‌های ائمه و معصومین غیر از انبیا از جنس الهام هست به آنها وحی از جنس رسالی اتفاق نمی افتد. بعد گفتیم که الهام یقینی نیست و حتمی هم نیست و وقتی که یک شخصی یک مطلبی بهش الهام میشه حتی اگر تکرار شده باشه و تجربه زیادی هم کسب بشه و معتقد باشه که این الهامی که بهش شده حتماً حقیقت هست باز هم یقین صد در صد نیست، درحالیکه وحی حتی با یک بارش یقین حاصل میشه تفاوت وحی و الهام، (این مطالب را گفتم دوباره اضافه کنم) الهام از ادراکات ذهنی هستند در حالیکه وحی جزو ادراکات ذهنی نیست. درباره انبیا و اولیا به سبب پاکی روحشون و ارتباط نبی یا ولی با مقام قرب الهی به گونه ای هستش که حقیقت الهام برای او نسبت یک فرد آشکارتر هست پس آنها الهام دارند، وحی هم دارند الهام هم دارند، رویا هم دارند، مکاشفه هم گاهی دارند ولی همه اینها درجاتش با یک شخصی معمولی فرق میکنه و الهام به انبیا، قطعیت بیشتری داره. کلمه الهام هیچ مدلول روحی و روانی مشخصی نداره بعضاً میان توی مباحث روانشناسی اون رو وارد می کنند که این هم غلط هست و حتی وحی رو هم میان توی مباحث روانشناسی ازش استفاده می کنند غلط است. بحث مکاشفه هم همین طور، توی مکاشفه هم یقین کامل در آن شخصی که بهش این کشف اتفاق افتاده در واقع ، یقین کامل وجود نداره در حالیکه یقین در پیامبر و نبی کامل هست یعنی وحی یقینی هست کاملاً. وحی یک مسئله غیر شخصی هست یعنی جدا از شخص پیامبر هست یعنی از جانب خداوند

است، به ذهن و فکر و قلب پیامبر کاری نداره چون ارتباط از جانب خداوند است، جدا از ذات پیامبر هست، یک فصلی هست که به واسطه این فصل خداوند یک حقایقی رو که از چهارچوب عقل خارجه برای پیامبرش باز میکنه و وحی یه چیز متفاوتی از مکاشفه هست، وحی از یک فاعلی صادر شده دارای اراده هست، اختیار هست قدرت داره، علیم علی الاطلاق است، حق تعالی هست، در حالی که الهام و کشف این جوهری نیست الهام معمولاً به تجربه برمیگرده مکاشفه یک تفکری هستش که بین شک و یقین در نوسان است، اما وحی هیچ کدوم از این حالتها رو نداره، منحصر به فرد هست متفاوت از الهام و کشف هست، نه قابل تجربه هست نه قابل تفکرهست یک حالت یقینی هست که جای هیچ شکی در آن نیست. (من دارم این مطالب قبل رو تکرار می کنم) حالات مکاشفه در واقع و همچنین الهام در واقع یک پدیده عامی هست بین انسان ها درحالیکه وحی مخصوصاً وحی رسالی یک پدیده خاصی هست بین بعضی از انسانها، آنهایی که استغناء شدند و انتخاب شدند. آیه ۱۱۰ سوره کهف " قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۚ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (۱۱۰)" تفاوت پیامبر دقیقاً توی این آیه با دیگر افراد و دیگر انسان ها مشخص می کند.

یه چیز دیگه هم باز بود فرق بین الهام و وحی: مصدر الهام درونی است مصدر وحی بیرونی هست یعنی خارجی هستش و حتی بعضاً میگن الهام ناشی از مکاشفه درونی هستند درحالیکه وحی یک واقعیت شهودی هستند که از خارج از وجود پیامبر به او القا میشه، پس کلاً منشاء و مصدر وحی خارج از ذات پیامبر هست، کاملاً الهی هست در حالی که درباره الهام و یا مکاشفه ممکنه الهی باشه، ممکنه شیطانی هم باشه. جالب اینکه الهام بدون واسطه فرشته اتفاق می افته ولی وحی رسالی اکثراً با واسطه فرشته هست. پس الهام را اگر بخواهیم این ها رو توی دایره قرار بدیم، الهام یک دایره بزرگ تری هست و وحی دایره کوچکتری هست یعنی زیرمجموعه اش هست علاوه بر تفاوت هایی که دارند.

جناب علی الصغیر در کتاب دراسات قرآنیه و همچنین در تاریخ قرآن اینجوهری گفته که وحی به پیامبران طریقی بوده که خداوند به واسطه آن پیامبرانش را مورد خطاب قرار داده و به آنها علم آموخته است این وحی دارای بُعد مستقل به دور از مراتب تجانس روحی و احوال ذاتی فرد هست. یه نظر دیگه هم از آیت الله معرفت بگم و بعد نقدش هم بکنیم؛ ایشان فرمودند که وحی پدیده ای هست روحانی، که در بعضی از مردم پدید می آید که با آن به خصایص روحی ممتاز میشوند که اونها رو شایسته ارتباط با ملا اعلی میکند که همون بگیم مکاشف در باطن نفس، یا با شنیدن بدینگونه که دریافت کننده وحی احساسی ناگهانی از خارج وجودش به او دست می دهد که از درونش نیست، وحی از مقوله ادراک وصف ناپذیر است و این پدیده روحانی را کسی که شایسته دریافت آن است در می یابد و و جز او کسی نمی تواند ژرفای آن را وصف کند؛ طبق آیه ۵۱ سوره شوری وحی به سه صورت رویای صادق، وساطت جبرئیل و به صورت مباشر یا بدون واسطه می باشد که دو نوع اخیر یعنی وساطت جبرئیل و بدون واسطه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرود آمده است. این مطلب آیت الله معرفت. البته اگر بخواهیم اشکال این مطلب رو با توجه به مطالب جلسه قبل و امروز بگیم این هستش که گفتیم وحی با رویا فرق میکنه حتی رویای صادق که ایشان یکی از انواع وحی را گفتند در رویای صادق اتفاق می افته که این هم اشکالی که به ایشان مطرح است.

ما به چیزهایی هفته پیش راجع به وحی غیر رسالی به افراد گفتیم و به چیزهایی هم راجع به وحی رسالی هم جلسه پیش و هم امروز گفتیم؛ وحی غیر رسالی را گفتیم به مادر حضرت موسی و حضرت مریم و به حواریان اتفاق افتاده وحی غیر رسالی. اما وحی رسالی باز بخواهیم امروز بیشتر بازش بکنیم مخصوص انبیا و رسولان الهی هست، کلیت موضوع درباره همه پیامبران الهی یکسان هست چون مصدر وحی یکی هست یعنی از جانب خداوند هست هدف وحی هم یکی هست. آیاتی که مربوط به وحی رسالی یعنی وحی که به انبیا و رسولان الهی تعلق میگیره آیاتی از قرآن کریم اینها هستند: "أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾" سوره عنکبوت آیه ۴۵ " نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٤٣﴾" سوره یوسف آیه ۳، "إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ ۗ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ﴿١٦٣﴾" و رَسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرَسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ ۗ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا ﴿١٦٤﴾" سوره نسا آیه ۱۶۳ و ۱۶۴. بعد قرآن در سوره انبیا بعد از بیان حال بعضی از انبیا می فرماید " وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ ۗ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ﴿١٦٤﴾" سوره انبیا آیه ۷۳. که این هم همان وحی رسالی هست که به وسیله اون وحی ها انجام اعمال خیر و برپا داشتن نماز و زکات دادن و اینکه عابد حق تعالی باشند رو خداوند به آنها وحی کرده. وحی رسالی به صورت اعلام مخفیانه، اتصال غیبی بین الله و پیامبرش هست.

شرح سیاق آیات ۵۱ تا ۵۳ وحی بیواسطه، وحی با واسطه، وحی من وراء حجاب

بهترین تعریف رو توی آیه ۵۱ سوره شوری می توانیم داشته باشیم " وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآذِنِهِ مَا يَشَاءُ ۗ ... ﴿٥١﴾" کلمه ورا به معنای پشت نیست همیشه، به معنای بیرون هر چیزی هست که محیط به اون هست یعنی ورا بیرون هر چیزی که محیط به آن هست، هر سه قسم وحی منتسب به خداست گفتیم وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ پس هر سه قسمش مربوط به خداوند است از طرف خداوند است. خب پیامبران بشر هستند پس توی این جمله قرار می گیرند، انبیا الهی هم می دونیم که کامل ترین انسان ها هستند، پس اگر ما گفتیم که وحی راجع به بشر غیر انبیا اتفاق میتونه بیفته پس در مورد انبیا که کامل ترین بشر هستند به نحو اعلی صورت میگیره و بیش از همه وحی شامل آنها هست، پس هر سه حالت مذکور یعنی وَحِيًّا و اَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ و اَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا هر سه قسمش بر پیامبران میتونه اتفاق بیفته، گفتیم به غیر رسالی داشتیم الان میگی همین سه تا رسالی هم میتونن باشند. اما هر سه نوع برای همه شون یکسان نبوده و برخی از یک نوع وحی بهره مند بودند برخی از دو نوع وحی و برخی هر سه نوع وحی رو داشتند. اکثر علما با توجه به این آیه و پیش فرض این که وحی به معنای اصطلاحی یعنی پیام الهی به پیامبران ارتباط حق تعالی با پیامبران را اینجوری تعریف کردند آمدند این رو سه قسمش کردند یا وحیاً یا همان بدون واسطه هست و وحی من وراء حجاب و وحی با واسطه. به بار دیگه میگم یک وحیاً یا وحی بدون واسطه، وحی من وراء حجاب و وحی با واسطه.

وحیا قسمت اول هست این نوع وحی بعضیا گفتن همان از سنخ الهام هست یا بگیم به دل افکندن، هم میتونه شامل حال بشر بشه که گفتیم وحی غیر رسالی هست بقیه هم گفتن که القای به قلب بدون واسطه هست مثل مثلاً آیت الله حکیم این نظر رو دارند و همچنین آیت الله معرفت القا دانستند این نوع رو یعنی وحیا قسمت اول رو القا دونستن. مثلاً آیت الله حکیم می نویسند که خدای متعال معانی رو در قلب پیامبر می افکند یا در جان او میدمد چنانچه پیامبر احساس می کند که آن معانی را از خداوند دریافت کرده است که بهش میگویم وحی بدون واسطه یعنی اون قسمت اول وحیا، وحی بدون واسطه هست.

سوال: مکاشفه و الهام؟ گفتیم مکاشفه یک ارتباط فکری هم می تواند باشد، الهام فراتر هست یعنی دایره وسیع تر هست.

سوال: گفتند که در سوره شوری کدام مصداق رویا هست؟ گفتیم که نظر آیت الله معرفت هستش که مثلاً اون وحیاً همیشه رویای صادقه که گفتیم غلطه یعنی رویای صادقه نیست، وحی با رویا متفاوت است.

هر ۳ نوع تکلم هستند آیه خودش اینجوری میگه **وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ** این تکلم هست سه تا قسم کرده. **سوال:** سوال کردند به دلم افتاده این کار رو بکنم؟ نه این الهام هست دیگه (هفته پیش این رو گفتیم) گفتیم به جرقه‌هایی برای ما اتفاق میفته خیلی هم ممکنه برامون اتفاق بیوفته مثلاً به چیزی رو گم کردیم یا به مدتی هستش که سر یک مسئله ای کنکاش ذهنی داریم به دفعه به ذهن مون خطور میکنه به این میگویم الهام و اشراق یعنی تابیدن ناگهانی. حالا به مطلب طنزی هم اینجا بگم که این اشراق ها معمولاً سر نماز ها برامون اتفاق می افته متأسفانه که حتماً منشا آن شیطانیه.

گفتیم هر سه نوع تکلم هست اون قسم اول یعنی وحیاً تکلمی هست که خداوند با پیامبر اسلام و بدون واسطه جبرئیل آیه ۵۱ سوره شوری در اون نه ملکی واسطه بوده مثل جبرئیل و نه هیچ گونه حجابی یعنی قسمت اول مستقیم قلب پیامبر، قسمت اول و حیناً مستقیم قلب پیامبر، نه واسطه بود مثل جبرئیل نه حجاب. (حالا حجاب رو باز توضیح خواهیم داد). علامه طباطبایی می نویسند که وحی ای که انبیا علیهم السلام از خدای تعالی می گیرند از مصادیق کلام هست یعنی جنسش کلامه، چه زبانی چه غیر زبانی، جنسش کلام هست بنابراین دیگر جهت ندارد که الا را استثنای منقطع بگیریم یعنی الا داخل آیه استثنای متصل هست متصلش هم استثنای مفرغ از مفعول هست این وحیا در واقع مفعول هست مفعول مطلق از کلام هست. (تعریف مفعول مطلق را بلدید ان شاءالله، ببینید مفعول مطلق یک کلمه منصوبی هست اکثراً مشتق است از جنس فعل، یا از مترادفات فعل هست مثل کلام و وحی اینجا، وقتی میگویم در اینجا **وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا** این استثنا مفرغ هست یعنی اومده اون وحیا نقش مفعولی گرفته از یکلمه الله یعنی مفعول مطلق نوعی هست. سه نوع مفعول مطلق داریم: مفعول مطلق نوعی، مفعول مطلق عددی مفعول مطلق تاکیدی. نوعی یعنی این که هیچی بعدش نیاد نه مضاف الیه بیاد نه صفت، مثل همین جا نگفته مثلاً وحیا عزیزاً مثلاً، هیچی بعدش نیومده. عددی که خب عدد توش هست مثلاً ضربته ضربتا واحدا. تاکیدی یعنی حتماً بعدش مضاف الیه یا صفت بیاد. مفعول مطلق یک کلمه منصوبی هست ۹۰٪ مصدر هست ۹۰٪ از جنس فعل هست یک درصدی مترادف معنی فعل هست مثل همین جا که گفتیم کلام و وحی، که چون وحی از جنس کلام هست پس از آنجا استثنا شده؛ پس این وحیا مفعول مطلق نوعی

هست. این علامه می فرمایند نظر ایشان بود، **إِلَّا** الای استثنای منقطع نیست و اون وحیا و دوتای بعدی یعنی **أَوْ** مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ و **أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا** همه شون استثنای غیرمنقطع و متصل هستند یعنی در خود جمله استثنا و محلش اومده، هر سه رو گفتیم از مصادیق تکلم هستند یعنی جنسشون کلام هست. اگر اولی را مفعول مطلق نوعی گرفتیم این دومی و سومی هم مصدر نوعی هستند یعنی باز از همون جنس هست یعنی در جایگاه مفعول قرار گرفته منتها توی قالب مصدر. معنای آیه حالا اینجوری معنی کنیم؛ هیچ بشری در این مقام قرار نمی گیرد که خداوند با او تکلم کند به صورتی از انواع تکلم این جمله اولمون، هیچ بشری در این مقام قرار نمی گیرد که خداوند با او تکلم کند به صورتی از انواع تکلم، (حالا استثنای آن) مگر به یکی از این سه حالت تکلم که عبارت اند از وحیاً، **أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ**، **أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا**.

پس به این گفتیم وحیا یا بدون واسطه، که هیچ واسطه ای نیست وقتی که این سه تا حالت با **أَوْ** به هم عطف شدند پس این سه حالت با هم فرق دارند.

سوال: سوال کردند که بشر به این ۳ صورت در اتصال هست؟ بشر به این سه صورت می تواند با خداوند تکلم کند جمله بهترش این است و بعد اون بشر باید شرایط خودش رو داشته باشه.

علامه می فرماید که از عطف شدن این سه حالت با کلمه **أَوْ** ظاهر این است که این سه قسم با هم فرق دارند و ببینید اگر بینشون حرف عطف واو داشتیم، حرف عطف واو یک حد فاصلی هست که دو طرف هم وزن و هم نقش و هم محور رو به هم عطف میکنه یعنی یه ترازو هست دو تا وزنه مون یکسان هست یعنی قبل و بعد از حرف عطف واو عین هم هستند، اما حرف عطف **أَوْ** اینجوری نیست یا **ثُمَّ** مثلاً اینجوری نیست خب، وقتی که **أَوْ** آورده یعنی این سه تا با هم فرق میکنند این هم نظر علامه هست. بعد ادامه میدیم با توجه به آنچه که گفته شد تا این جا وقتی هم که کلمه تکلم را آورده میتونین بگین که وحی به انبیا از نوع ارتباط اول بدون واسطه با وحی به غیر انبیا تفاوت داره یعنی درسته که مثلاً به مادر حضرت موسی وحی شده، بدون واسطه هم بوده، درسته؟ **أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ** گفتیم اونجا بدون واسطه هست مصداق این وحیاً هست منتها این وحیا به مادر حضرت موسی کجا و وحیا به انبیا کجا، مراتب دارند وقتی ما میگیم که وحی بدون واسطه هم میتونه، گفتیم هم رسالی داریم هم غیر رسالی مراتبش اینه، در مرتبه رسالی به انبیا مرتبه اش خیلی بالاتر از مرتبه غیر رسالی هست یعنی وحی به انبیا مثلاً وحی به پیامبر اسلام با وحی به مادر حضرت موسی بسیار بسیار متفاوتند گرچه هر دو یک سنخ از وحی بدون واسطه هستند؛ پس ما اگر تو وحی رسالی بخواهیم این سه قسمت را حرف بزنینیم یک چیز هست تو وحی غیر رسالی بخواهیم حرف بزنینیم یه چیز دیگه هست.

یا مثلاً **وَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا** وحی به خود حضرت موسی و وحی به مادرش با هم فرق می کنند این رسالی هست اون غیر رسالی هست.

پاسخ سوال: مرتبه یعنی درجه علمی، یعنی اینکه اون وحی که به مادر حضرت موسی شده از جنس بدون واسطه هست با اون وحی بدون واسطه که به خود حضرت موسی که جزو انبیا هست مرتبه شون فرق میکنه آدم هاشون با هم فرق میکنن.

خلاصه مطلب این هست که این سه تا وحی هم رسالی هستند هم غیر رسالی هستند وقتی رسالی میشه درجه هاشون با غیر رسالی ها متفاوت است یعنی به درجات عصمت حتی به درجات در واقع قرب الهی بستگی داره، حضرت موسی مقامش از مادرش بالاتر هست چون این نبی هست الوالعزم هم هست، پس این وحی که بدون واسطه به حضرت موسی شده با وحی که بدون واسطه به مادرشون شده متفاوتند با هم.

دومین وحی من وراء حجاب هست أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ، تقریباً همه علمای اسلامی روی این مطلب اجماع دارند که از پس پرده هست یا حجابی چون درخت است مثلاً مثل برای حضرت موسی و پیرامون اون، یه صدایی به گوش پیامبر میرسه و به اون وحی میشه. آیت الله جوادی میگن که معنای مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ این است که کلامی که از خداوند صادر می شود از جایی ظهور کند نه آنکه آن جایگاه مصدر کلام و منشا صدور آن باشد. اگر موسی کلیم علیه السلام از حجاب شجره طور گفتار اننی انا الله رو شنید گوینده این کلام درخت نبود بلکه خداوند بود که سخن می گفت ولی موسی آن را از درخت می شنید. (این نظر آقای جوادی آملی). ببینید مصدر و منشاء کلام خود درخت نیست بلکه مصدر خداوند است در درخت ظهور میکنه، ایشان ادامه می دهند آن صدا، صدای فیزیکی و مادی نبود زیرا اگر چنین بود اولاً باید هر سلیم الحاسه یعنی کسی که حسش درسته، گوشش کار میکنه می شنید ثانیاً باید از یک جهت خاص می بود در حالی که هر کس دیگری نشنید، همسر حضرت موسی که همراهش بود نشنید آن را و در روایات داریم که موسی کلیم از شش جهت صدا را می شنید ولی احساس می کرد که از ناحیه شجره هست. " فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى ﴿١١﴾ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٢﴾ وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى ﴿١٣﴾ " سوره طه آیه ۱۱ تا ۱۳. آنگاه که موسی به آن وادی وارد شد ندا داده شد که ای موسی من رب تو هستم پس کفشهایت را درآور که در سرزمین مقدس هستی و من تو را برگزیدم پس به آنچه وحی می شود گوش کن. تفاوت این آیه با وحی در آیات دیگه کاملاً روشن هست اینجا ارتباط دو طرفه هست هم لفظ نُودِيَ داریم هم لفظ قال داریم مثلاً همین مکالمه رو در رو سوره اعراف داریم آیه ۱۴۳ " وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ " پس یک مکالمه دو طرفه هست علت اینکه بعد امامتی حضرت موسی علیه السلام کلیم الله است این هستش که ایشان ارتباط دو طرفه دارند یعنی در تکلم بروز بیشتری دارند؛ گفتیم همه انبیا تکلم با خداوند دارند بروز حضرت موسی بیشتر هست دو طرفه هستند بنابر آیات قرآن. البته در قرآن راجع به هیچ پیامبر دیگه ای این تکلم دو طرفه رو نگفته، ولی ما توی روایات داریم که پیامبر اسلام این تکلم رو دارند؛ این نوع تکلم بین حضرت موسی و خداوند یک رمز هست و اتفاقاً زبانی هست چون بحث نودی و قال داریم. خدا گفت، موسی گفت، زبانی هست و ممکنه به همین علت هم حضرت موسی بشوند کلیم الله و تکلم پیامبران دیگه با خداوند زبانی نباشه، کلام باشه اما کلامش زبانی نباشه. ببینید چند نوع کلام داریم زبانی و غیر زبانی یا نوشتاری، تکلم حضرت موسی با خداوند زبانی هست به دلیل قال و نودی. یا مثلاً " وَ مَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى ﴿١٧﴾ " در سوره طه این رو داشتیم. پس به این حالت میگیرم ارتباط از پس حجاب، أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ. یا سید قطب همین نظر را دارند میگن که کما کلم الله موسی حين طلب رویای لم يعجب اليه و لكن جعلناه نور تحتی به من تشاء، این طبیعت خالص وحی است طبیعت این وحی هم این روح نور هست و هدایت. أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ درباره حضرت رسول، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بنابر قول اجماعی مفسران در شب معراج اتفاق افتاده؛ در سوره نجم " عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى ﴿١٤﴾ " غالب مفسران در تفسیر

این سوره یعنی سوره نجم این رو اینجوری روایت کردند که حضرت رسول از پس حجاب در شب معراج با خداوند تکلم داشتند **أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ** برای حضرت رسول در شب معراج اتفاق افتاده و این هم وحی دوم.

اما وحی سوم **أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا** یعنی وحی با واسطه. پس یک شد وحی بی واسطه یا وحیاً، دو شد **أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ** و سه شد **أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا**. علاوه بر همین آیه ۵۱ سوره شوری آیات دیگه ای هم داریم در قرآن، به صراحت راجع به رسول یعنی فرشته وحی صحبت میکنه. "يُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ (۲۲)" سوره نحل آیه ۲. این تجلی با همراهی مطلق فرشته الهی صورت می پذیرد، در سوره فاطر آیات همون اولش آیه ۱ "الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا أُولَى أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرَبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ... (۱)" سوره بقره آیه ۹۷ "قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ... (۹۷)" نزول قرآن همه دانشمندان علوم قرآنی و علما میگویند که نزول قرآن با واسطه فرشته و اذن الهی بوده. فرشته الهی وحی رو از بارگاه الهی دریافت می کرده بر حضرت رسول فرود میاورده و اون رو منتقل می کرده. این نوع وحی برای غیر رسالی هم گفتیم اتفاق میفته مثل حضرت مریم، "فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (۱۷)" در حالیکه درسته که حرف از وحی نزده و ارتباط حضرت مریم با اون فرشته ارتباط وحی گونه هست. علما میگویند که هر موقع لفظ وحی به طور مطلق به کار بره همین نوع وحی هست یعنی کدوم نوع؟ **أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا**. یعنی بیشترین نوع وحی این هست. وحی آیات قرآن اکثراً به شکل با واسطه بوده گاهی هم گفتیم بی واسطه هست. علامه طباطبایی ذیل آیه سوره شعرا، آیات ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ "ان رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۹۱) وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۹۲) نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (۱۹۳) عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (۱۹۴) بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (۱۹۵)"

پاسخ سوال: بله رسول یعنی فرشته.

یعنی قرآن توسط جبرئیل، جبرئیل ملک از بارگاه الهی دریافت شده به پیامبر اسلام در قالب کلمات عربی انتقال پیدا کرده. علامه دوباره ادامه می دهند که پیامبر قرآن را از فرشته با نفس خود یعنی با تمام وجود خود فرا گرفته نه از راه گوش یعنی سمعی نبود با تمام وجود بود، بیشتر مفسرین نیز معتقدند که همه قرآن وحی با واسطه فرشته است و آنچه که بدون واسطه هست یعنی اون قسمت اول وحیا قرآن نیست بلکه سنت هست این هم یک نظر هست، جناب آقای حجتی در تاریخ قرآن این میفرمایند، میگویند که وحی با واسطه قرآن هست و وحی بی واسطه سنت هست مثلاً حدیث قدسی هست، سنت هست این هم نظر هست و البته رد هم نشده. برخی از دانشمندان اومدند آیه "وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِيَّاكَ مِنْ رَبِّكَ... (۲)" سوره احزاب آیه ۲ رو نشانه وحی با واسطه می دانند **وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِيَّاكَ**، چون وحی می شود، فعل مجهول است.

یه نتیجه گیری بکنم بعد بریم سراغ بحث بنی اسرائیل. جمع انواع وحی برای یک فرد کامل از انسان ها ممکنه همچنان که هر سه نوع وحی برای رسول گرامی اسلام اتفاق افتاده. اینو یاد گرفتیم که در ادب قرآن کریم بین وحی و الهام و رویا تفاوت است، اینها همه مقدماتی هست برای نقد و بررسی نظرات سروش. اینا رو من تکرار می کنم مقدمه هست برای نظرات سروش در هفته آینده.

سوال: سوال کردند که چرا رسول را نبی نمی‌دانیم؟ چون اینجا قرینه کلام به ما اجازه نمی‌دهد که ما بحث نبی بیاریم، اول آیه بشر آورده ارتباط وحیانی بشر با خدا رو آمده سه طریق گفته، همیشه که بشری که ارتباط گرفته یک بشر کامل هست که ما می‌گیم که جزو انبیا است بیاد دوباره با یک نبی دیگه ارتباط بگیره (یعنی اگر به فرمایش شما سرکار خانم بهبهانی) رسول، او یرسل رسولا رو نبی بگیریم اون بشر اول آیه را هم که نبی گرفتیم تو وحی رسالی، درسته؟ نبی که نمیتونه با نبی تکلم بکنه میگه خدا داره با نبی تکلم میکنه از چه طریق؟ از طریق رسول. رسول کی هست؟ فرشته. اگر شما نبی بگیرید دو تا نبی میشه یکی اول آیه و یکی آخر آیه.

نتیجه‌ها رو دارم می‌گم، ۱- این هست که جمع انواع وحی برای یک فرد کامل انسان کامل ممکنه اتفاق بیفته برای حضرت رسول اتفاق افتاده. ۲- اینکه در ادب قرآن کریم بین وحی و الهام و رویا تفاوت هست نزول ملک یا ملائکه برای بنده ای از بنده‌های الهی به مشیت حق تعالی است به اذن خدای تعالی است و ممکنه که هم رسالی باشه هم غیر رسالی یعنی هم به حضرت مریم فرشته بیاد هم به پیامبران، پس نزول ملک بر فرد غیر نبی، دلیل بر نبودن نیست یعنی نمیتونیم بگیم که حضرت مریم پیامبر هست چون ملک اومده برایش پس دلیل برایش نیست، واژه وحی در مورد اخبار حضرت مریم هم به کار نرفته. عین همین ارتباط را درباره حضرت زهرا داریم که حضرت زهرا با فرشته‌ها و ملائکه در ارتباط هستند سلام الله علیها، در روایات داریم در نقلها داریم پس از رحلت پیامبر یا به عبارتی پس از شهادت پیامبر جبرئیل بر حضرت زهرا فرود می‌آمد درباره آینده فرزندان و امت حضرت رسول بر او گفت، جناب شیخ صدوق با سند خودش از امام صادق علیه السلام نقل میکنه که فرمود: **أَمَّا سُمَيَّةُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مُحَدَّثَةٌ لِإِنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ** یعنی به درستی که فاطمه محدثه نامیده شد زیرا که ملائکه از آسمان بر او فرود می‌آمدند و او را خطاب می‌کردند همانگونه که مریم دختر عمران را مورد خطاب قرار می‌دادند.

سوال: سوال کردند که انقطاع وحی برای بشر؟ بله وحی رسالی قطع شد دیگه، وحی غیر رسالی ادامه داره دیگه مثل حضرت زهرا که ادامه پیدا کرد یا برای امام‌ها ممکنه وحی غیر رسالی یا حتی برای اولیا هم وحی غیر رسالی بود، ثابت کردیم که میتونه اتفاق بیفته.

نظر حضار: می‌گن که به نظرم رسول بجز فرشته میتونه هر شخص دیگه ای هم باشه؟ ادبیات قرآن رسول یا نبی هست یا ملائکه غیر از این نداریم؛ حتی ملائکه عذاب ملائکه قبض جان کلاً ملک هستند، یا نبی است یا ملک. این هم از بحث وحی امروز. ان شا الله که گره‌ای توی بحث امروز نباشه براتون. که همه اینها مقدمه ای باشه برای مباحث جلسات آینده. مطالب سروش شاید بتونیم جلسه آینده یکجا نقد بکنیم.

اللهم جعلنا وجيها بالحسين عليه السلام في الدنيا و الاخرة